

نگاہی بہ خوارچ

(قریآن ضد قرآن)

استاد اصغر

کریمی رکن آبادی

کارشناس ارشد
علوم قرآنی



پتال جامع علوم انسانی
گاہ ماسانی و کتابت



چکیده مقاله

پیشینه تاریخی خوارج:

برای روشن شدن پیشینه تاریخی خوارج، ما پیشگویی‌های پیامبر اسلام (ص) پیرامون خوارج و زمینه‌های شکل‌گیری آنها را مطرح نموده‌ایم و بعد از آن خصوصیات عبادی، سیاسی و اجتماعی آنها را ذکر و عنوان قاریان ضد قرآن را توضیح داده‌ایم.

پیش‌گویی پیامبر اسلام (ص) در مورد خوارج:

در این ارتباط ما به نقل چهار روایت تاریخی از پیامبر اکرم (ص) پرداخته‌ایم که حضرت، خصوصیات خوارج و خروج آنها را مطرح فرموده است.

ابوسعید خدری نقل می‌کند که رسول‌الله (ص) مشغول تقسیم اموالی بین چهار نفر از تازه مسلمانان بود قریش ناراحت شدند رسول‌الله (ص) فرمود: این کار را انجام دادم تا دل ایشان نسبت به اسلام مأنوس شود. پس مردی پُرریش، با پیشانی پینه بسته، چشمی گود رفته و سر تراشیده آمد و به رسول‌الله (ص) گفت: «اتق الله یا محمد پس پیامبر (ص) فرمودند: اگر من خدا را نافرمانی کنم،

تاکنون تألیفات و مقالات زیادی^(۱) در مورد خوارج و عقاید آنها و زمینه‌های فکری، تاریخی، سیاسی و اجتماعی آنها توسط نویسندگان شیعه و عامه و مستشرقان صورت گرفته است. اما به نظر می‌رسد که هنوز ابهامات فراوانی پیرامون شناخت خوارج و تطبیق افکار و عقاید آنها در نسل‌ها و عصرهای بعد از آنها وجود دارد که با مراجعه به تفاسیر قرآن و منابع حدیثی و تاریخ اسلام، در صدد رفع این ابهامات و پاسخ‌گویی به شبهات بعضی از مؤلفین و محققین اهل سنت هستیم. در این مقاله دو بخش مطرح می‌شود. بخش اول: شامل پیشینه تاریخی خوارج و پیش‌گویی پیامبر اسلام (ص) پیرامون آنها و زمینه‌های شکل‌گیری و خصوصیات عبادی، سیاسی و اجتماعی آنها می‌باشد و بخش دوم نقد نظرات و پاسخ‌گویی به شبهات آقای ناصر بن سلیمان بن السعید السابعی مؤلف کتاب (الخوارج والحقیقه الغائبه) می‌باشد.

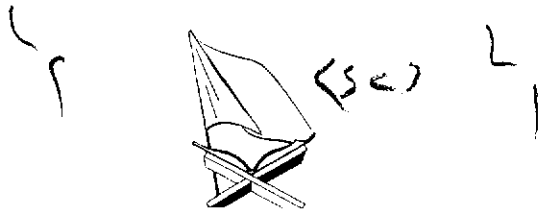
پس چه کسی خدا را اطاعت می‌کند؟ سپس مرد پشت کرد و رفت، پیامبر (ص) فرمودند: همانا از جنس این (فرد) قومی خارج می‌شوند که قرآن می‌خوانند ولی از حلقوم آنها تجاوز نمی‌کند، اهل اسلام را می‌کشند، و بت پرستان را برای کمک فرا می‌خوانند و چون تیری که از کمان برون رود از اسلام خارج می‌شوند اگر ایشان را دریابم، چون قوم عاد آنها را بکشم.^(۲)

در بحار الانوار، حدیثی دیگر از ابوسعید خدری نقل شده: که روزی رسول خدا (ص) مشغول تقسیم غنایم بودند پس مردی به نام (ذوالخویصیره، از بنی تمیم)^(۳) به رسول الله گفت: ای رسول خدا به عدالت رفتار کن؟ پس رسول الله (ص) فرمودند: اگر من عدالت نورزم، چه کسی به عدالت رفتار می‌کند؟ پیامبر (ص) به شیخین (ابوبکر و عمر) دستور دادند آن فرد را بکشند، ولی آنها تحت تأثیر عبادت او قرار گرفتند و از این دستور سرباز زدند، پیامبر (ص) از حضار درخواست کرد و فقط حضرت علی (ع) جواب مثبت داد و حرکت کرد و رسول الله (ص) فرمود: یا علی تو او را می‌کشی ولی اگر او را ببینی! علی (ع) هم به سراغ او رفت، اما او رفته بود، پیامبر (ص) فرمودند: اگر این مرد کشته می‌شد دو نفر از امتان من با هم اختلاف پیدا نمی‌کردند - سپس فرمودند: برای او در آینده یارانی خواهد بود که، نماز شما در برابر نماز او و روزه شما در

برابر روزه او، کوچک شمرده می‌شود و آنها قرآن تلاوت می‌کنند^(۴) اما در فهم دین، آنچنان به خطا می‌روند که تیر از کمان.

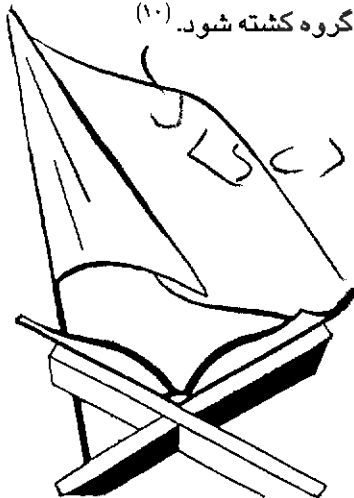
همچنین در اخباری که از پیش گویی‌های پیامبر (ص) رسیده است آمده: که رسول الله (ص) خطاب به علی (ع) فرمودند: ای علی (ع) تو به دست اهل نهروان کشته می‌شوی و وقتی علی (ع) از اهل نهروان پرسید، پیامبر (ص) خصوصیات آنها را بیان داشتند که بخشی از آن خصوصیات در دو حدیث فوق مطرح شد.^(۵)

در حدیث دیگر آمده است: انس بن مالک گفت: مردی در عصر پیامبر (ص) بود که سعی او در عبادت ما را به شگفتی واداشته بود، ما نام او را نزد پیامبر بردیم، حضرت او را نشناخت، او صافش را نقل کردیم، باز هم او را نشناخت، در همان موقع که از او سخن می‌گفتیم وارد مسجد شد. ما گفتیم یا رسول الله (ص) این همان مرد است. پیامبر (ص) فرمود: شما از مردی به من خبر می‌دهید که نشانه‌ای از شیطان در صورت دارد. آن مرد آمد نزدیک پیامبر (ص) و اصحاب و سلام نکرد ایستاد! رسول الله (ص) فرمودند: ترا به خدا قسم می‌دهم آیا هم اکنون که در مقابل ما ایستادی در دل نگفتی کسی در میان این عده بهتر از من نیست؟ آن مرد پاسخ داد: چرا به خدا گفتم و نگاه به نماز ایستاد.^(۶)



واقعی به قرآن ندارند) خارج می‌شوند از دین ، چون خارج شدن تیر از کمان^(۸) و بر هیچ کس جای تردید نیست که صفاتی که در حدیث مروق و احادیث ما قبل آن آمده نظیر (عبادت ، روزه زیاد، پیشانی‌های پینه بسته از کثرت سجده و تلاوت قرآن به طوری که فقط به ظاهر الفاظ توجه دارد) همگی بر خوارج نهران (مارقین) و گروه‌های بعدی از خوارج تطبیق دارد.^(۹)

پیامبر اسلام (ص) در مورد فاسق بودن مارقین و فضیلت جهاد با این گروه فرموده‌اند: (به زودی در امت من اختلاف و تفرقه بوجود خواهد آمد و قومی خواهند آمد که به نیکی سخن می‌گویند ولی به کردار ناشایستند. قرآن تلاوت می‌کنند ولی از حلقومشان تجاوز نمی‌کند. از دین خارج می‌شوند چون خارج شدن تیر از کمان ؛ آنها بدترین خلق خدا هستند. خوشا به حال کسی که آنها را بکشد و خوشا به حال آن که به دست این گروه کشته شود.^(۱۰)



با توجه به این چهار حدیث در می‌یابیم که پیامبر اسلام (ص) خواسته‌اند علاوه بر پیش‌گویی ظهور فتنه خوارج ، خصوصیات فکری ، روحی ، روانی ، سیاسی ، و اجتماعی آنها را بیان دارند و تأکید پیامبر (ص) بر از بین رفتن طرز تفکر پلیدی بوده که پشت انبوهی از عبادات ظاهری و چهره‌ای وجیه المله، مخفی شده است. و همچنین آمادگی ذهنی و فکری امت اسلام را برای برخورد امام علی (ع) با مارقین فراهم آورند. قابل توجه است که طبق حدیث مروق^(۷) و به نص صریح پیامبر (ص) و روای حدیث، نقل شده که پیامبر (ص) فرمودند: (در میان شما قومی خارج می‌شوند که نماز شما در قبال نماز آنها کم شمرده می‌شود و همچنین روزه و اعمال شما در قبال روزه و اعمال آنها کوچک شمرده می‌شود، قرآن می‌خوانند ولی از حلقومشان تجاوز نمی‌کند (یعنی به صرف لقلقه زبان است و عمل

زمینه های شکل گیری خوارج:

اگر چه فرقه خوارج در زمان رسول الله (ص) و سه خلیفه، به عنوان یک گروه مشخص و یا یک تفکر سیاسی منسجم نبودند، اما از شواهد تاریخی چنین بر می آید که دسپایس و برنامه های سیاسی خلفا و فرمانداران آنها و عناصر سیاسی مرموز و قدرت طلب آن زمان بستر مناسبی را برای رشد و شکل گیری این جریان ایجاد نموده بود تا به عنوان یک سپر مطمئن در حوادث سیاسی مخصوصاً مقابله با امام علی (ع) و حکومت علوی از آن استفاده شود. این موضوع آنجا بیشتر جلوه گری می کند که می بینیم وقتی زمام امور حکومت به دست امام علی (ع) قرار می گیرد جریان سیاسی خوارج به طور ضعیف رخ می نماید و در جنگ جمل تقویت می شود و آشکارا در جنگ صفین و ماجرای حکمیت اعلام موجودیت می کند^(۱۱) و در جنگ نهروان آنها را به عنوان یک تشکل سیاسی نظامی در مقابل حکومت علوی قرار می دهد. جای تردید نیست که خوارج، در پی نیرنگ سپاه قاسطین (معاویه بن ابی سفیان و عمر و عاص)، ظهوری علنی یافت و برنامه قرآن بر سر نیزه علامت و نشانه ای برای این اعلام موجودیت و ظهور بود.^(۱۲) اگر چه همه آنهایی که با خوارج در مرحله اول همراه شدند از نقشه و برنامه آنها

اطلاعی نداشتند بلکه عدم بصیرت و شناخت حکومت علوی و از طرف دیگر شعارهای جذآب و مردم فریب خوارج، آنها را از سپاه امام علی (ع) جدا نمود. و بعداً که خطبه ها و سخنان روشنگر امام علی (ع) را شنیدند از جمع خوارج نهروان جدا شدند.^(۱۳) امام علی (ع) و یاران او احتجاجات فراوانی با خوارج داشتند، این احتجاجات نتایج مثبت فراوانی بر جای گذاشت. چنان که هزاران نفر از آنان توبه کردند و به حق بازگشتند.^(۱۴) امام علی (ع) تلاش های فراوانی کرد تا شاید بتواند خوارج را بر پذیرش حق قانع سازد و آنان را از ایجاد اختلاف و تفرقه در صفوف مسلمانان باز دارد. او خطبه های فراوانی ایراد کرد^(۱۵) و با هر زبانی آنان را اندرز داد و پیامدهای ناگوار این اقدام را برایشان تبیین کرد اما نه تنها از این اندیشه بازنگشتند بلکه آنان در راهها، جلوی مردم را گرفتند، و اموال، چارپایان و سلاح های آنان را به یغما می بردند و به غارت روستاها می پرداختند و شماری از زنان مسلمانان را کشتند و اقدامات ناشایستی مرتکب شدند.^(۱۶) اقدامات خشونت آمیز و قساوت آلود خوارج در ارتکاب محرمات و جنایات هولناک آنها امنیت و نظم اجتماعی جامعه علوی را به شدت تهدید کرد و زمینه رویارویی امام علی (ع) با آنها را فراهم ساخت.^(۱۷)



خصوصیات سیاسی - عبادی و اجتماعی خوارج

اگر بخواهیم نشانه‌ها و حالت‌های خوارج را از لابه‌لای متون تاریخی استخراج کنیم، به این نمونه‌ها بر می‌خوریم:

۱- قرآن بر زبانشان جاری است ۲- اهل خضوع و خشوع و عبادتند و در عمل به ظواهر سختگیرند ۳- خوش گفتار و بدکردارند ۴- دیگران را به قرآن دعوت می‌کنند اما خود به آن عمل نمی‌کنند ۵- پیشانی‌شان از کثرت عبادت پینه بسته است ۶- شعارشان (لاحکم الا الله) است. (۱۸)

خوارج زشت‌ترین جنایات را به نام دین و با شعار اطاعت و فرمانبرداری محض از خدای متعال مرتکب می‌شدند. آنان بر خلاف امویان، هرگز جسارت خویش را در هتک حرمت مقام ربوبی آشکار نکردند، بلکه به رغم ارتکاب جنایات هولناک، همواره خود را به دین ملتزم می‌دانستند و احکام آن را پذیرفتند. (۱۹)

خوارج عموماً خشن، بی‌منطق و فاقد اندیشه و فرهنگ بودند و دعوت‌های آنها علی‌رغم شعارهای زیبا و فریبنده، مخالف فطرت انسانی بود. و فقط عده‌ای ساده لوح و فاقد بصیرت مدتی تحت تأثیر شعارهای آنان قرار می‌گرفتند. بدنه خوارج عموماً دنیا طلب بودند اما خواسته‌های آنان غالباً پست و محدود بود ولی رؤسای آنها قدرت طلب و به دنبال

دستیابی به فرمانروایی بودند. (۲۰) به نظر می‌رسد علت اصلی خشونت خوارج در ضدیت با امام علی (ع) حقد و کینه بود، زیرا آنان با وجود علی (ع) مجالی برای تحقق بسیاری از خواسته‌های خویش نمی‌یافتند. چنانکه در جنگ جمل بر اثر مخالفت امیرالمؤمنین علی (ع) نتوانستند کسی را اسیر کنند. (۲۱) عصبیت‌های قبیله‌ای و مصالح شخصی، در موضع‌گیری خوارج مؤثر بود، اما به مواضع خود رنگ دینی می‌زدند (۲۲) اما عملکرد و موضع‌گیری‌های خوارج به خوبی خروج آنها از دین و فسق آنها را آشکار می‌ساخت. ابن ابی‌الحدید بر طبق خبری که از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند و بر اجماع آن صحه می‌گذارد، نوشته است (و اما خوارج از دین بیرون رفته‌اند و اصحاب ما در این مسأله که آنان از دوزخیانند، هیچ اختلافی ندارند) (۲۳)

خوارج، قاریان ضد قرآن:

یک از ویژگی‌های خوارج تقید آنها به قرائت قرآن بود. در جمع خوارج حافظان قرآن بودند که از قرائت‌های زیبایی برخوردار بودند. اما این قرائت و حفظ آیات از حلقومشان تجاوز نمی‌کرد و فهم و درک صحیحی از آیات قرآن نداشتند بلکه بیشتر به دنبال بهره‌گیری از آیات قرآن برای توجیه کارهای خود بودند.

یک نقل تاریخی:

«در جنگ نهروان امام امیرالمؤمنین علی (ع) با یک نفر، اصحاب خود از نزدیک اردوگاه خوارج، در نیمه شب مشغول بررسی مواضع

بخش دوم

● نظرات و شبهات مؤلف کتاب (الخوارج والحقیقه الغائبه)

آقای ناصر بن سلیمان بن سعید السابعی نظراتی را در کتاب (الخوارج والحقیقه الغائبه) آورده‌اند که این نظرات با پیشینه تاریخی خوارج و پیش‌گویی‌های رسول اکرم (ص) پیرامون آنها و احادیث بی‌شماری که در کتب اهل سنت پیرامون خروج آنها از دین و فسق آنها و فضیلت جهاد با آنها مطرح شده تعارض دارد. در ابتدا نظرات ایشان را مطرح می‌کنیم سپس به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم.

نظر اول: آقای ناصر بن سلیمان حدیث معروف (مروق) که پیامبر و ویژگی‌ها و خصوصیات خوارج را مطرح و معرفی نمودند را منطبق با اهل نهروان که مقابل امام علی (ع) ایستادند نمی‌دانند و می‌گویند اصطلاح خوارج و خصوصیات حدیث مروق مربوط به خوارج بعد از سال ۶۴ هجری می‌باشد.

نظر دوم: آقای ناصر بن سلیمان ضمن تقسیم اصطلاح خوارج از جهات لغوی، تاریخی و دینی نتیجه می‌گیرند که خوارج بنا بر نص شرعی مارق از دین نبوده‌اند. و نسبت دادن تقتیل و تکفیر به مردم اهل نهروان صحیح نبوده و برائت اهل نهروان از این امور ثابت

نظامی آنها بودند. صدای قرآنی زیبا و حزین شنیده می‌شد (أمن هو قانت آناء اللیل) (۲۴) و قاری آیات را با لحنی سوزناک و جذاب می‌خواند، آن کسی که با امیرالمؤمنین بود عرض کرد: ای کاش من مویی در بدن این شخص که به این خوبی قرآن می‌خواند بودم، چون او به بهشت خواهد رفت حضرت امیر (ع) فرمودند: به این آسانی قضاوت نکن، قدری صبر کن. قضیه گذشت پس از جنگ، امام با اصحاب خود در میان کشسته‌های خوارج حرکت می‌کردند، به کشسته یک نفر رسیدند که به صورت دمر روی زمین افتاده بود حضرت او را برگرداندند و نگاهی به او کردند و خطاب به آن کسی که در آن شب با ایشان بود، فرمودند: او همان کسی است که دیشب آیات قرآن را به طور سوزناک می‌خواند و تو آرزو می‌کردی مویی از بدن او باشی. (۲۵)

○ علی (ع) قرآن مجسم

اگر کسی مختصر آشنایی با تاریخ اسلام و احادیث نبوی داشته باشد، کوچکترین تردیدی برایش باقی نمی‌ماند که علی (ع) دایر مدار و محور حق بوده و به قول پیامبر اکرم (ص) (علی مع الحق و الحق مع علی و یا علی مع القرآن و القرآن مع علی) (۲۶) بوده است و لیکن این قاریان بی‌بصیرت که شعار (حسبنا کتاب الله) خلیفه دوم، آنها را به ظاهری از کتاب و قرائت آن محدود کرده بود، با قرآن مجسم علی (ع) به مبارزه برخاستند و در جبهه باطل قرار گرفتند. (۲۷)

شده و ایشان کشتن عبدالله بن خباب و همسرش و زنان دیگر را به شخصی به نام مسعربین فدکی تمیمی نسبت می‌دهد که بعداً جذب اهل نهروان شد.

نظر سوم: آقای ناصر بن سلیمان می‌نویسد: نمی‌توان به اهل نهروان نسبت تکفیر داد و اگر هم ثابت شود، پس حمل کفر به معنای معصیت می‌شود و اگر خوارج غیر خود را تکفیر کرده‌اند، منظورشان کفران نعمت بوده و نه کفر به دین اسلام بوده است.

نظر چهارم: آقای ناصر بن سلیمان نوشته: جنگ امام علی (ع) با اهل نهروان برخلاف نظر ابن عباس بوده و علی (ع) را مسؤول قتل زهاد و قاریان قرآن دانسته است. (۲۸)

نقد و بررسی نظرات:

اکثر صحابه رسول الله (ص) حدیث مروق و خصوصیات آنها را با اهل نهروان تطبیق داده‌اند. وقتی مسلمانان عملکرد و رفتار آنها را علی‌رغم شعارهای ظاهری دیدند براساس اخبار متواتر، از جمله حدیث مروق اهل نهروان را فاسق و مارق نامیدند و آنها را به عنوان خوارج می‌شناختند. ابن ابی الحدید نقل می‌کند: (وقتی خوارج راه را بر عبدالله بن خباب بستند، او بر ایشان حدیث مروق را که از پدرش شنیده بود نقل کرد. خوارج هم او را گردن زدند و همسر آپستن او را هتک حرمت کرده و

شکمش را دریدند) (۲۹). اگر بنا بر نظر آقای ناصر بن سلیمان نتوان اصطلاح مارق و خوارج را به اهل نهروان نسبت داد و آنها را از قتل عبدالله بن خباب و همسرش و انواع فساد و رعب و وحشت که کردند، مُنزه بدانیم پس این سؤال مطرح می‌شود که چرا علی (ع) آنها را به قتل رسانید؟ و آیا معاویه و عبدالملک مروان و حجاج و امثالهم حق داشتند که بر علیه این افراد بجنگند و نعوذ بالله حضرت علی (ع) حق نداشت فتنه ایشان را که نزدیک بود، چون مرض خوره و جذام جامعه را به تباهی کشد دفع نماید. پس مؤلف کتاب (الخوارج والحقیقه الغائبه) نمی‌توانند حدیث و تطبیق آن را که به تواتر در کتب تاریخی، اعم از اهل سنت و تشیع وارد شده است را رد نماید. در مورد فرضیه ایشان برگشتن عبدالله بن خباب و همسرش و سفیر امام علی (ع) و سایر زنان توسط مسعربین فدکی و گروهش می‌گوییم گروه نهروان او را و گروهش را پذیرفتند و وقتی امام علی (ع) خواستار تحویل آنها شد همگی گفتند: کُلُّنا قتلہ (همه ما او را کشتیم) از طرف دیگر چگونه نویسنده خواسته این لکه ننگ را از دامن اهل نهروان پاک نماید که همانان بودند که نماینده امام علی (ع) را کشتند. (۳۰) و چگونه نویسنده می‌خواهد با احتمالات بی‌پایه تقتیل و تکفیر خوارج نهروان را رد کند، در حالی‌که

مستندات تاریخی حکایت از قتل و غارت و چپاول و آشوب گری آنها در کوفه و بصره دارد، به گونه‌ای که مردم کوفه از امام علی (ع) خواستار دفع خوارج شدند.^(۳۱) در خصوص نظر ابن عباس مبنی بر مخالفت او در جنگ با اهل نهروان باید گفت، هیچ کتاب تاریخ و حدیث چنین عبارت و موضعی را از ابن عباس نقل نکرده و به نظر می‌رسد این نویسند خواسته فقط امام علی (ع) را مسؤول قتل نهروانیان، آن هم با هیچ گناهی متهم نماید؛ ولی یادش رفته است که در این جنگ مهاجر و انصار و اصحاب پیامبر(ص) و اهل بدر همراه علی (ع) بودند و به فرض هم ابن عباس نبوده باشد، ابهامی را ثابت نمی‌کند.^(۳۲)

• منابع و مصادر:

۱- ابن حجر عسقلانی در جزء دوم کتاب الاصابه فی تميز الصحابه و علامه فقید سعید عبدالحسین شرف‌الدین در کتاب اجتهاد در مقابل نص صفحات ۱۲۱ تا ۱۱۵ ترجمه علی دوانی و یعقوب جعفری در کتاب خوارج در تاریخ و علامه طباطبایی در ترجمه المیزان و شهرستانی در الملل و النحل و یولیوس و لهاوزن در کتاب تاریخ سیاسی صدر اسلام (شیعه و خوارج) ترجمه رضا افتخار زاده و نایف محمود معروف در کتاب (والخوارج فی العصر الاموی) و ناصرین سلیمان بن سعید السابعی در کتاب (الخوارج و الحقیقه الغائبه) به بحث در مورد خوارج پرداخته‌اند.

۲- بحار الانوار علامه مجلسی جلد ۳ ص ۳۳۵

۳- علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین معتقد است که ذوالنبدیه یا ذوالخویصره همان حرقوس ابن زهیر تیمیسی است که به این لقب معروف و سر کرده خوارج بوده است و امتناع از قتل ذوالنبدیه توسط شیخین را اجتهاد در مقابل نص می‌داند. لازم به ذکر است ذوالنبدیه بعد از جنگ نهروان توسط سپاه امام علی (ع) کشته می‌شود.

۴- بحار الانوار - ج ۲۱ ص ۱۷۴

۵- بحار الانوار - ج ۲۱ ص ۱۷۴

۶- اجتهاد در مقابل نص - اثر سید عبدالحسین شرف‌الدین ص ۱۲۱ تا ۱۱۵ ترجمه علی دوانی

۷- این حدیث با کمی اختلاف در مجلدات ۱۶ ص ۶ ج ۲۱ ص ۱۶۱ ج ۲۲ ص ۳۸ ج ۲۶ ص ۸۳ ج ۳۳ ص ۳۱۰ و جلد ۱۸ ص ۱۱۳ بحار الانوار علامه مجلسی آمده است.

۸- صحیح مسلم ج ۲ ص ۷۵۰ - تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی

۹- جذور تاریخی جریان خوارج - بخش اول ص ۱۸

۱۰- بحار الانوار ج ۳۳ ص ۳۲۹

۱۱- دانشنامه امام علی (ع) مجلد نهم - تاریخ - بخش مازقین صفحات ۲۳۲ تا ۲۹۱

۱۲- الملل و النحل جلد ۱ ص ۱۱۶ - اثر محمد بن عبدالکریم شهرستانی

۱۳- کنز العمال ج ۱۱ ص ۲۸۰ و دانشنامه امام علی جلد نهم ص ۲۴۵

۱۴- مجمع الزوائد ج ۶ ص ۲۴۱ اثر نورالدین میشی

۱۵- نهج البلاغه - خطبه‌های ۱۲۳ - ۱۲۱ - ۱۱۱ و ۱۱۷

۱۶- الفتوح ابن اعثم ج ۴ ص ۱۰۰

۱۷- دانشنامه امام علی (ع) جلد نهم ص ۲۵۰

۱۸- همان ۱۹- همان ۲۰- همان ۲۱- همان ۲۲- همان ۲۳- ابن ابی الحدید

شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۱۳ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم

۲۴- قرآن کریم سوره زمر آیه ۹

۲۵- حدیث ولایت ج ص ۵۰

۲۶- امامی شیخ صدوق ص ۲۶۷ حدیث ۴۹۴

۲۷- دانشنامه امام علی (ع) ج ۹ صفحات ۲۳۲ تا ۲۹۱

۲۸- کتاب الخوارج فی العصر الاموی صفحات مختلف

۲۹- ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۲ ص ۲۶۹

۳۰- اخبار الطوال ص ۶ و ترجمه الکامل ج ۴ ص ۱۴۱

۳۱- دانشنامه امام علی ج نهم صفحات ۲۳۲ تا ۲۹۱

۳۲- جذور تاریخی جریان خوارج ص ۱۹۴

